

۶ تیر ۱۳۹۶ - شماره: ۷۷

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

راه‌رستگاری

نویسنده مقاله:

ابو حسن الحسانی

توجه: دیدگاه‌های منتشر شده در پایگاه، دیدگاه‌های ارسال شده توسط کاربرانند و لزوماً دیدگاه‌های این دفتر محسوب نمی‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

راه رستگاری

ابو حسن الحسانی

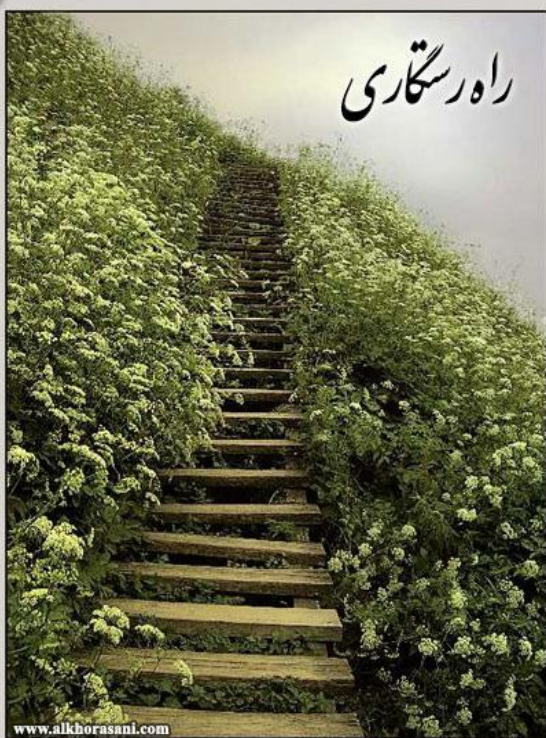
بدون شک دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله به سوی زمینه سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین، دعوتی حق مبتنی بر قرآن کریم است که راه رستگاری از عذاب خداوند را به ما نشان می‌دهد.

همیشه این سؤال به ذهن ما می‌رسد که چرا در دنیا عذاب و سختی می‌کشیم؟ سبب این بلاهای غیر عادی و روزافزون در زندگی ما چیست؟

اگر به قرآن کریم مراجعه کنیم،

این آیات را می‌بینیم که خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه / ۵۵)؛ «پس [فزونی] اموال‌شان و اولادشان تو را شگفت‌زده نکند؛ زیرا خداوند می‌خواهد به (وسیله‌ی) آن‌ها را در زندگی دنیا عذاب کند و در حالی که کافرنه‌شان بر آید.» و می‌فرماید: ﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ (انبیاء / ۱۱)؛ «چه بسیار شهرهایی را که (ساکنانش) ستمکار بودند، در هم شکستیم و بعد از آن‌ها قوم دیگری را پدید آوردیم.» و آیات فراوان دیگری که عبارت ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾؛ «چه بسیار هلاک کردیم» را در بر دارد و بیان می‌فرماید که خداوند شهرها و قریه‌های بسیاری را هلاک کرده و علت این کار ظلم و ستم آن‌ها و عدم تصدیق پیامبر زمانشان بوده است.

تردیدی نیست که ما هم امتی از امت‌ها و قومی از اقوام هستیم و ممکن است به عاقبت آن‌ها دچار شویم؛ چراکه خداوند با ما خویشاوندی ندارد و سنت‌های خود در گذشته را تغییر نداده است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿اَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيِّكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ﴾ (قمر / ۴۳)؛ «آیا کافران شما



از آن‌ها بهترند یا برای شما امان‌نامه‌ای در کتاب‌ها وجود دارد؟!». از این رو، سؤالی که به ذهنمان می‌رسد آن است که چه باید بکنیم تا عذاب خداوند بر ما نازل نشود؟

اگر به قرآن کریم رجوع کنیم می‌بینیم که خداوند در پاسخ به این سوال فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (انفال / ۳۳)؛ «و تا زمانی که تو [ای پیامبر] در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را عذاب نخواهد کرد و [نیز] تا زمانی که استغفار می‌کنند، خداوند عذابشان نمی‌کند.»

از این آیهی شریفه آشکار می‌شود که دو امان از عذاب الهی وجود دارد: یکی حضور خلیفه‌ی خداوند در میان ما و دیگری مداومت بر استغفار.

اما در رابطه با امان اول می‌بینیم که هم‌اکنون خلیفه‌ی خداوند در میان ما حضور ندارد و این در حالی است که خداوند هیچ گاه زمین را از خلیفه‌ی خود خالی نمی‌گذارد؛ چنانکه به فرشتگانش وعده داده است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره / ۳۰)؛ «من در زمین خلیفه‌ای را قرار دهنده‌ام.» بنابراین، عدم حضور خلیفه‌ی خداوند در میان ما هرگز نمی‌تواند خواسته‌ی او بوده باشد، بلکه تنها ناشی از اراده و اقدام سوء خودمان بوده و به همین دلیل، ممکن است به عذاب ما بینجامد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء / ۷۶)؛ «و نزدیک بود که آن‌ها تو را از زمین برانند تا تو را از آن بیرون کنند و آن گاه بعد از تو جز اندکی باقی نمی‌مانند!» از اینجا دانسته می‌شود که مسؤولیت عدم حضور خلیفه‌ی خداوند در میان ما متوجه ما است و ما باید برای حل این مشکل چاره‌ای بیندیشیم و اقدامی کنیم.

اما در رابطه با امان دوم چطور باید بفهمیم که استغفار ما مقبول درگاه خداوند است؟ چگونه باید استغفار کنیم که به درجه‌ی قبول نزدیک‌تر باشد؟ اصلاً از کدامین گناه باید استغفار کنیم تا عذاب بر سر ما نازل نشود؟

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْتَهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء / ۶۴)؛ «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر برای اینکه به اذن خدا [از وی] اطاعت شود و اگر آن‌ها هنگامی که بر خویشتن ستم می‌کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند، بی‌گمان خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.»

پس شرط قبول شدن استغفار ما، آمدن به نزد خلیفه‌ی خداوند و طلب مغفرت از خداوند نزد او و طلب مغفرت او برای ما است تا قبول شود.

اما مخالفان دعوت ایشان و منکران ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام، می‌پندارند مردم در از دست دادن این دو امان الهی و تبعاً به دست آوردن آن دو نقشی ندارند و خداوند در این زمینه مسؤول است، در حالی که این افترا بی‌بزرگ بر خداوند و انکار عدل الهی است؛ چنانکه فرموده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيَّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۚ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (أنفال / ۵۳)؛ «آن از این رو است که خداوند تغییر دهنده‌ی نعمتی که به قومی داده است نیست تا آن گاه که آنان چیزی که در خودشان است را تغییر دهند و خداوند شنوایی داناست.»

بنابراین، تردیدی نیست که مردم مسبب اصلی از دست رفتن این دو امان الهی هستند و تبعاً باید برای به دست آوردن آن دو زمینه‌سازی کنند، ولی این زمینه‌سازی تنها با «ایمان» به خلیفه‌ی خداوند و حتی ایمان به ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور او انجام نمی‌شود، بلکه به حکم ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ باید به مرحله‌ی «عمل صالح» نیز برسد تا نتیجه‌ی مطلوب را در پی داشته باشد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (أنفال / ۷۴)؛ «و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خداوند و کسانی که جای دادند و یاری رساندند، آنان هستند که به راستی مؤمنند، برایشان آمرزشی و رزقی گرامی است.»

با این وصف، روشن است که زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند، صرفاً یک اعتقاد قلبی یا حتی نظریه‌ی علمی نیست، بلکه یک نهضت و انقلاب جهانی است و زمینه‌سازان واقعی ظهور او کسانی هستند که با مال و جان خویش در راه آن جهاد می‌کنند و با تمام وجود و توان خویش برای فراهم ساختن یار، مال و سلاح کافی برای امام مهدی علیه السلام و تضمین امنیت او می‌کوشند. خداوند ما و شما را از آنان قرار دهد.

ومن الله التوفيق